

سواد کوه

سرزمین دو خورشید

www.ketab.ir

سرشناسه : باوند سوادکوهی، احمد، ۱۳۵۴ -
 عنوان و نام پدیدآور : سوادکوه سرزمین دو خورشید / احمد باوند سوادکوهی.
 مشخصات نشر : تهران: نشر رسانش نوین، ۱۳۹۶.
 مشخصات ظاهری : ۳۷۵ص: مصور(رنگی).
 شابک : 978-600-6826-80-6
 وضعیت فهرست نویسی : فیبا
 یادداشت : کتابنامه.
 داشت : نمایه.
 موضوع : سوادکوه -- تاریخ
 رده بندی : ۱۳۹۶ ۱۳۲۷/۲ و DSRT۰۹۵
 رده بندی دیو : ۹۵۵/۳۲۵۳
 شماره کتابخانه ملی : ۳۵۴۱۱۰۱



تهران، خیابان کریم خان زند، خیابان میری شیرازی، پلاک ۸۴، طبقه ۲، واحد ۹

تلفن: ۸۸۹۳۲۶۵۵ - ۰۹۱۲۱۳۰۹۱۳۱ - ۰۹۱۲۱۳۰۹۱۳۱
www.ransh-novin.com

سوادکوه

سرزمین دو خورشید

احمد باوند سوادکوهی

ویراستار: دکتر نعمت‌الله کاظمی فرامرزی

طرح جلد و صفحه‌آرایی: فرشاد علی‌نژاد

لیتوگرافی: فیلم‌گرافیک

چاپ: پیمان نواندیش

صحافی: افشین

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

چاپ اول، تهران، ۱۳۹۷

شابک: ۶-۸۰-۶۸۲۶-۹۷۸-۶۰۰

قیمت: ۱۲۰۰۰۰ تومان

مرکز پخش: قائم‌شهر، پاساژ رنجبر، بنیاد فرهنگ و تاریخ سوادکوه

تلفن: ۰۹۱۱۲۲۶۶۷۴۴

فهرست

.....	آغاز سخن
۱۱	پیش گفتار
۱۹	آبشارها
۴۷	آیین ها و باورها
۷۳	اقتصاد
۱۲۹	امام زاده ها
۱۵۳	پل های تاریخی سوادکوه
۱۶۳	حیات وحش
۱۸۱	کوه ها و چشمه ها
۲۰۷	غارها (قاره هفتم)
۲۳۳	گل ها و گیاهان
۲۶۵	مسکن و معماری
۲۸۵	موسیقی
۳۰۱	طبیعت گردی (اکوتوریسم)
۳۷۵	منابع

صنعت گردشگری به عنوان بزرگ‌ترین صنعت جهان امروز معرفی شده است. طبیعت‌گردی که زیر مجموعه‌ای از گردشگری به‌شمار می‌رود نیز به عنوان یک صنعت پویای جهانی از رشد بسیار سریع برخوردار است. هدف توسعه پایدار روستایی، گسترش امکانات و بهبود شرایط زندگی نسل کنونی و نسل‌های آتی و اقشار آسیب‌پذیر روستایی است و با توجه به ویژگی بارز گردشگری روستایی به مثابه یکی از مردمی‌ترین اشکال گردشگری، می‌توان انتظار داشت که این صنعت از یک سو به رشد اقتصادی و تنوع فعالیت‌های روستایی و از سویی دیگر با جذب نیروی انسانی به ایجاد اشتغال و درآمدزایی برای ساکنان روستاها کمک کند. بدین ترتیب فرصتی برای توسعه همه‌جانبه قلمداد می‌شود.

در دنیای امروز، صنعت توریسم علاوه بر تبادل فرهنگی، از لحاظ اقتصادی نیز قابل توجه است. اکوتوریسم یا طبیعت‌گردی و یا جهان‌گردی بوم‌شناختی، در بردارنده انواع فعالیت‌های گردشگری در محیط‌های طبیعی و فرهنگی است، به گونه‌ای که در بسترهای جغرافیایی، گردشگران می‌توانند به مناطقی که دارای جاذبه‌های طبیعی یا دست‌ساخت بشر است، سفر کنند.

سوادکوه پیشینه تاریخی و جغرافیایی و فرهنگی غنی و پر باری دارد. در این جغرافیا کوه و جنگل، دریاچه و آبشار، غار و قلعه، برج و کلیسا و امام‌زاده و... همه به عنوان اجزای یک تابلوی ارزشمند دیده می‌شوند. سوادکوه اقلیمی چهار فصل دارد و حسن بکلی زیبا در دامنه رشته کوه البرز می‌درخشد. ویژگی جغرافیایی تاریخی و فرهنگی سوادکوه بستر مناسبی برای ایجاد توسعه انواع فعالیت‌های توریسم مثل اکوتوریسم (طبیعت‌گردی) ژئوتوریسم (زمین‌شناسی)، توریسم درمانی، فرهنگی، مذهبی و ورزشی است.

سوادکوه در پهنه استان مازندران و جغرافیای ایران از جهات گوناگون دارای موقعیت و جایگاه والایی از لحاظ تاریخی و جاذبه‌های طبیعی و گردشگری است. ویژگی‌های جغرافیایی و ساختار زمین‌شناسی و قرار گرفتن در سه بستر کوه، جنگل و دشت سبب شده است نقاش طبیعت، جلوه‌ای از بهشت را در این خطه، به تصویر بکشد. ویژگی‌های جغرافیایی و فرهنگی خاص این خطه از استان مازندران همراه با جاذبه‌های گردشگری، یادمان‌های تاریخی و فرهنگی اعتبار خاصی به این شهرستان بخشیده است. این یادمان‌ها سبب شد که سوادکوه به عنوان یکی از قطب‌های برتر گردشگری استان مازندران قرار گیرد. جاذبه‌هایی نظیر: دریاچه شورمست، جنگل‌های گزو، کوه‌های

سر به فلک کشیده، به همراه قله‌های بلند، آبشارهای پر آب، چشمه‌ساران فراوان، غارهای طبیعی، ییلاقات بکر و ...

طبیعت در این خطه از لونی دگر است. متأسفانه به دلیل محرومیت و نبود برنامه‌ای مدون و دقیق، نداشتن طرح‌های اصولی و قابل اجرا، نداشتن تخصص برخی از مسئولان شهرستانی در حوزه مدیریتی و گردشگری، آن گونه که شایسته آن بود، حقیقت ادا نشد. بیشتر گردشگران، سوادکوه را یک جاده ارتباطی در مسیر تهران به شمال می‌شناسند و از زیبایی‌های درون آن بی‌خبرند.

واقع شدن سوادکوه در رشته‌کوه البرز مرکزی و برخورداری از قله‌ها و کوه‌های سر به فلک کشیده، موقعیت ویژه‌ای را برای توریسم ورزشی خلق کرده است. کوه‌های پرچینون و سواد در چرات، شلفین در آند، ارفه‌کوه در ارفه‌ده، قدمگاه در منطقه شوراب، خرو در د، خانقاه‌پی، سنگر در اوریم و ... در این حوزه قد برافراشته‌اند. چشمه‌سارهای سوادکوه دیدنی و گردشگری‌پذیرند. علاوه بر چشم‌اندازهای طبیعی، خاصیت آب معدنی و درمانی نیز دارند. از این میان می‌توان به چشمه دراسله در منطقه دراسله، سلور در آند، گتاه در ورس و پرو در ارفه‌کوه، نرو در اسوکلا، نرچشمه در امامت و ... اشاره کرد. با معرفی این چشمه‌ها و سرمایه‌گذاری در این بخش می‌توان به شاخه توریسم درمانی هم پرداخت. کوه‌ها و چشمه‌سارهای این دیار از سرزمین در آثار شاعران بومی‌سرای سوادکوه نمود برجسته‌ای دارند.

موقعیت سوادکوه به لحاظ اقلیمی و آثار طبیعی و تاریخی ویژه و جالب است. روستاهای سوادکوه به دلیل حفظ ساختارهای اجتماعی و فرهنگی، آداب و سنن گذشته در زمینه اکوتوریسم روستایی با ظرفیت‌هایی که دارند، به عنوان قطب گردشگری روستایی در توسعه پایدار روستاها می‌توانند مطرح شوند.

ییلاق: وجود کوهستان و مناطق ییلاقی، این شهرستان را از دیگر نقاط مازندران استثنا کرده است. بیشتر خاک سوادکوه از لحاظ توپوگرافی و اقلیمی در بلندی‌ها جا دارد، به این بلندی‌ها ییلاق گفته می‌شود. از لحاظ توپوگرافی، شهرستان سوادکوه از منطقه‌های ناهموار استان مازندران است که زمین آن تا ارتفاع ۵۰۰ متری، به صورت دشت و پوشیده از جنگل و درختان جنگلی است. از ارتفاع ۵۰۰ تا ۱۵۰۰ متری از سطح دریا منطقه کوهپایه (پرتاس، منطقه‌ای پوشیده از درخت) است که زمین کشاورزی آن بیشتر به گندم و جو اختصاص دارد. از ارتفاع ۱۵۰۰ متر به بالا منطقه کوهستانی است که به اپرتاس (منطقه پوشیده

از درختچه با پوشش گیاهی مزاحم) است. ییلاقات سوادکوه که مراتع طبیعی این شهرستان را تشکیل می‌دهند، به صورت چمنزارهای سرسبز همراه با درختچه‌های زرشک و ... قابل رؤیت است. آب و هوای ییلاقات در تابستان به حدی سرد است که بایست در منازل بخاری روشن کرد. ییلاقات سوادکوه در گذشته به علت وجود دام فراوان و ییلاق و قشلاق کردن دام‌داران بیشتر در حوزه دام‌داری مطرح بودند، اما امروزه به علت تعدیل خروج دام از جنگل از تعداد دام کاسته شده و ییلاقات شکل توریستی به خود گرفته‌اند و تا حدودی از فضای روستایی و بکر محیط زیستی خود خارج شده‌اند. برای نمونه ییلاق دراسله، ورسک، رجه، انارم، کوه اصطلیل، فلورد، سرخ‌آباد، گرزین خیل، وری و ...

تنوع گیاهی سوادکوه: جنگل‌های برگ‌ریز کاسپانی (هیرکانی) به عنوان یک میراث از ارزش جهانی برخورداری است. وسعت جنگل‌های شمال از مناطق جلگه‌ای و دامنه‌های کم ارتفاع شروع و تا نواحی مرتفع کوهستان ادامه دارد. گونه‌های درختی و درختچه‌ای سوادکوه ناشی از دو عامل اقلیمی، رطوبت و حرارت و همچنین جهت و درصد شیب تغییر می‌یابد. در مناطق جلگه‌ای و به تدریج با افزایش ارتفاع گونه‌های ممرز، بلوط، نمدار و سرخدار و راش (مرس)، غان (توس)، آزاد، اوجا، زبان گنجشک، لیلیکی (کرات) و در نواحی مرتفع، اوری و اورس یافت می‌شود. وسعت جنگل‌های سوادکوه کمتر از کوهستان آن نیست. جاذبه‌هایش نیز همین طور. تنوع گونه‌های جنگلی، به همراه چهار فصل زیبا و آبشارهای را نصیب این بخش از دیار کرده است.

کوه سوادکوه: که به زبان محلی به آن (تیس) می‌گویند، درختچه‌ای است که در ایران در کمربند رشته‌کوه البرز در منطقه خرو نرو می‌روید. چوب آن سفید و برگ آن مثلث است و ارتفاع آن به ۷ تا ۱۰ متر می‌رسد.

سرخدار: که در زبان بومی به آن سردار یا سوردار هم می‌گویند، در ارتفاعات بالا دست در مناطق کوهپایه‌ای و کوهستانی (جنگل‌های شمال ایران) می‌روید. ارتفاع آن به ۴۰ تا ۵۰ متر هم می‌رسد. رنگ چوب آن قرمز آجری است. جنگل‌های گزو مستعد این گونه درختی است.

از لحاظ گیاهان دارویی، سوادکوه گنجینه‌ای بی‌نظیر است. آویشن، گاوزبان، باریجه، هوم و انواع سبزی‌های معطر و ... (در این زمینه بنگرید به بخش گیاهان همین کتاب).

رودها: رودها و به طور کلی طبیعت در سراسر نوار شمالی نقش تعیین‌کننده‌ای در زندگی اهالی و نام‌گذاری مناطق آن دارد. در سوادکوه نیز چنین است. این تقسیم‌بندی در دو حوضه

کشاورزی هم جایگاه گذشته خود را از دست داد. امروز با ورود برخی تکنولوژی به روستاها، روستائیان خود را از دایره تولید کشت گندم و جو و ... خارج کردند. در کنار آن به علت اینکه در ایران بعد از انقلاب، شهرنشینی رشد چشمگیری پیدا کرده بود، روستائیان اقدام به مهاجرت کردند. در سوادکوه به علت محرومیت فراوان مهاجرت از روستا به شهر روند صعودی زیادی داشت، به طوری که بیشتر روستاها خالی از سکنه شدند. از دهه ۸۰ به بعد به علت این که شرکت زغال سنگ البرز مرکزی تعطیل شد (به بخش خصوصی واگذار گردید) خسارات جبران ناپذیری به اقتصاد مردم سوادکوه وارد شد. این بار بیشتر روستاییانی که به شهرها مهاجرت کرده بودند به روستاها برگشتند. از طرف دیگر همین گروه، شهری‌ها را هم با خود به سوی روستاها کشاندند و این فاجعه‌ای بس غم‌انگیز برای آینده روستاهای سوادکوه و شغل کاذب برای مشاورین املاک را در پی داشته است. شاید در وهله نخست دلخوشی کاذبی را برای چند سال با فروش زمین به روستائیان بدهد اما بعد شاهد تأثیر منفی آن خواهیم بود. روستاها شکل سنتی خود را از دست می‌دهند و باید هشدار دهیم اگر موج ویلاسازی به شهر آلاشت که دارای بافت قدیمی و سنتی است برسد، دیگر اثری از بافت سنتی و سنت‌ها باقی نخواهد ماند.

با این توصیف زندگی روستایی در حد زندگی بخور و نمیر پیش رفت. پادنگ‌ها و اودنگ‌ها (آسیاب سنتی) از کار افتادند. به علت نبود حمایت و بازاریابی برای فروش دست‌ساخت‌های زنان خانه‌دار، رادک‌نی، کرچال‌ها جمع شده و نوغانداری و نمدمالی هم در حال دست و پا زدن است. توسعه شهرک‌های صنعتی هم ره به جایی نبرده و سوله‌ها شکل‌های عجیب و غریبی به شهرک‌ها صنعتی شریفست و بشل شیرگاه داده‌اند. برای اثبات این امر گذری به شهرک‌های سوادکوه داشته باشیم.

در گذشته بیشتر اهالی سوادکوه در تهیه خوراک و پوشاک مستقل بودند و نه تنها احتیاجات خود؛ بلکه نیازمندی‌های شهرنشینان را در بازارهای سنتی (بازار هفتگی) برطرف می‌کردند. یعنی خود بیشتر تولیدکننده بودند تا مصرف‌کننده. اما در چند سال اخیر به چند علت همه چیز برعکس شد. تولیدکننده روستایی به علت نبود حمایت بیکار مانده و دست از کار کشیده و مصرف‌کننده کالای صنعتی شهری و چینی شد. در کنار موارد ذکر شده، عدم مدیریت و بازاریابی نیز در این خصوص بسیار دخیل بود.

پوشاک: هرچند در این نیم قرن اخیر با گسترش و فراگیر شدن

رودهایی که از سمت چپ و راست از کوه‌ها سرازیر شده و در منطقه دیو لیلیم به هم پیوسته و رودخانه تالر را تشکیل می‌دهند، قابل بررسی‌اند. رودهای سمت چپ و روستاهایی که در بستر و حريم آن قرار دارند، به ولویی و روستاها و شهرهایی که در سمت راست رود قرار دارند به راست آب‌پی (راستویی) معروف شدند. با برنامه‌ریزی درست در بخش شیلات می‌توان از توان حوضه‌های آبریز سوادکوه به خصوص در بخش ولویی برای پرورش ماهیان سرد آبی سرمایه‌گذاری و استفاده کرد. پرورشگاه ماهی قزل‌آلا خاتون رودبار، تیلیم، ارات‌بن، دراسله و ارژنگ رودبار نوید سرمایه‌گذاری در این بخش است. نکته جالب اینکه رودهای سوادکوه دائمی بوده هرچند قابل کشتیرانی نیستند اما دارای جاذبه‌های فراوانی هستند. رودخانه پلنگ‌دره زیباترین رودخانه سوادکوه است که از کوه‌های خرو نرو سرازیر شده و از منطقه سنگده گذشته و وارد جنگل‌های ولیک‌بن و اساس شده و سپس به پلنگ‌دره کملیان می‌رسد. نام پلنگ‌دره را بر خود می‌گیرد تا اینکه بعد از پیچ و خم‌ها، فراوان به نارنج‌بن شیرگاه رسیده و وارد رود تالر می‌شود. این رودخانه در بیشتر وقت‌های سال دارای آبی آرام و زلال و سرراست، عبور این رود از دل جنگل‌های اساس و کسلیمان مناظر بدیعی را در مسیر خود به وجود آورده است.

اقتصاد: آنچه که از خوان اقتصاد در زندگی مردم سوادکوه می‌بینیم، به خاطر همزیستی با طبیعت بکر و اقتصاد سنتی این منطقه است. گاوینه‌ها (گالش منزل)، استانگاه‌ها (گوسفندسراها) نقش بسیار مهمی در اقتصاد دام‌پروری سوادکوه داشته و دارند. هر چند با تصمیم مسئولان در خصوص خروج دام از جنگل، ضربات جبران ناپذیری به اقتصاد خانواده‌هایی که از این راه امرار معاش می‌کردند وارد آمد و دام‌داران دیروز کوچه‌نشین‌های امروز شهرها شده‌اند و نتوانستند شغل مناسبی جایگزین شغل آبا و اجدادی خود نمایند و به ناچار یا مریض و فرتوت شدند و یا سر از شهرهای بزرگ درآوردند و به شغل‌های کاذب که برخی در شأن آنان نبود، روی آوردند.

روزگاری اقتصاد دام‌پروری سنتی سوادکوه حرف‌هایی برای گفتن داشت. وجود نزدیک به یک میلیون رأس گوسفند در چراگاه‌ها و مراتع کوهستانی این منطقه نقش تعیین‌کننده‌ای در اقتصاد محلی داشت. اما امروز با طرح خروج دام از جنگل و طرح دام‌داری صنعتی ره به ترکستان هم که بردیم هیچ، بلکه داشته‌های ناچیز خود را هم از دست داده‌ایم. دام‌داران سوادکوه ضربات جبران ناپذیری را در این بخش متحمل شدند. در کنار آن

عسل سوادکوه هم می‌تواند سوغات مناسبی برای گردشگران باشد.

سوادکوه در کنار جاذبه‌های گردشگری و طبیعی از نظر جاذبه‌های اجتماعی و اقتصادی از تنوع گسترده‌ای برخوردار است. این نوع جاذبه‌ها اگر به درستی معرفی شوند می‌توان به آینده صنعت گردشگری این شهرستان چشم امید دوخت.

فرهنگ و آداب و رسوم: از لحاظ فرهنگی هنوز ردپای برخی جشن‌ها، مناسک‌ها، باورها و ... را می‌توان در این شهرستان یافت. امروز تکنولوژی توانسته به کمک این بخش از فرهنگ بیاید و تا حدودی آن را از خطر فراموشی نجات دهد و جشن‌هایی نظیر تیرگان (لال شو)، عید مردگان (بیس شش عیدماه)، آداب و رسوم مربوط به نوروز و نوروزخوانی، آداب سفر، چلوووشی و ... باید در حد اعتدال خود باقی بماند. آداب و رسوم و فرهنگ مردم سوادکوه زبانزد مردم مازندران است. این آداب و رسوم گسترده و هنوز بکر است و دارای ارزش فرهنگی خاص خود.

آداب رسوم و فرهنگ مردم سوادکوه ریشه در ساختار طبیعت و تاریخ و ساختار اقتصادی و اجتماعی مردم این مرز و بوم دارد. وجود اقوام کهن و ریشه‌دار تاریخی، غنای دیگری به این آداب و رسوم و فرهنگ بخشیده است؛ اقوامی که تاریخ‌ساز شدند و نامی هم رسانیدند. در خصوص ریشه‌های فرهنگی مردم سوادکوه همین بس که «پیترو دلا واله» جهان‌گرد معروف ایتالیایی که در زمان شاه‌عباس اول برای دیدنش، وقتی در راه اصفهان به مرمران، به اولین نقطه مسکونی مازندران سوادکوه (سرخ‌آباد) رسید این گونه مآبانش را توصیف می‌کند:

«به اولین نقطه مازندران، که ده کوچکی به نام سرخ‌رباط بود، رسیدیم. این ده، مانند دهات بی‌شمار دیگری، اخیراً به دستور شاه بر اطراف پشته ساخته شده، تا مسافران از جهت مسکن در رفاه باشند، او دستور داده بود محل سکونت قبلی مردم کوه‌نشین اطراف را ویران کرده و آنها را به این دهات منتقل کنند. در این معبر به رابرت جیفورد انگلیسی که از پیش با او آشنایی داشتیم، برخورد کردم. و... پنجشنبه هشتم فوریه، سه فرسنگ در این دره تنگ که در انتهای خود عریض‌تر می‌شده، راهپیمایی کردیم. در وسط دره، رودخانه‌ای جاری است که به دریای خزر می‌ریزد و ما اکنون در مسیر آن واقع شده بودیم. و... زنان و مردان این دیار دارای چشم و ابروی سیاه و موهای مشکی و به خصوص زنان در نظر من زیبا جلوه می‌کنند؛ به خصوص که برعکس زن‌های مسلمان دیگر، هیچ وقت چهره خود را نمی‌پوشانند و از حرف زدن با مردان امتناعی ندارند و

صنعت نساجی در ایران و ورود لباس‌های آماده فرنگی، پوشاک سنتی و دست‌بافته‌های سنتی دچار رکود شده و مردم و نسل جوان هیچ‌گونه اقبال به آنها نشان ندادند و نمی‌دهند اما امروز به علت‌هایی دوباره نسل میان‌سال در پی احیای برخی از این دست‌دوزها و صنایع دستی دیروز است، هرچند در بیشتر موارد برای دکور و تزئین از آن استفاده می‌کنند. متأسفانه صنعت سنتی پوشاک جایگاه واقعی خود را به علت ذکر شده و نبود حمایت و بازاریابی از دست داده است. لیجه (کت زنانه) چوخا، لم چوخا، پش شلوار (شلوار پشمی)، کلاه نم‌دی، پوسی کلاه، نم‌د، چادر شب، شره، جوراب، جاجیم، گلیم، حصیر (کوب) از جمله صنایع سنتی سوادکوه بودند.

خوراک: غذاهای محلی مردم سوادکوه به خصوص دست‌پخت‌های زنان روستای رنگ و لعاب ویژه‌ای دارد. وجود سبزی‌های معطر کوهی: پیوز، زولنگ، اناریچه، اوجی و ... در کنار تخم انار، ترشی انار، سیر، تردور ... نقش مهمی در رنگ و بو و طعم خوراکی‌های سوادکوه دارد. غذاهای مخصوص که بیشترین طرفدار را دارد می‌توان از آروس، ته‌پن، فست‌جان و ... نام برد. در ماست نوعی سبزی با ترکیب‌های دیگر، ام‌جی، گشنیز، سرسم و نعنای می‌ریزند که به آن «لال ماست» و «آلد» می‌گویند. هر جا که مهمان مردم سوادکوه باشید این نوع ماست را بر سر سفره‌ها خواهید یافت. کدیلو (کنی‌پلا) به همراه ترشی از گیل (کنس‌دشو) یا (کنس‌ترشی) با تخم‌مرغ که به آن شش‌انداز می‌گویند از گونه‌ای دگر است. از دیگر خوراکی‌های مردم سوادکوه «گرماسی» مخلوط شیر با ماست و برنج است. این غذا، خوراک مخصوص دام‌داران است. از نان‌های مخصوص سوادکوه می‌توان به رزه نون، اغوز نون، پیاز نون، پنجه‌کش نون، لوه نون، کلوا نون اشاره کرد. کلوا نون مخصوص گاوبنده‌هاست. از خرمالوی جنگلی شیرهای به دست می‌آورند که به «دشو» معروف است و بسیار خوشمزه است.

سوغات: از سوغاتی‌های مهم سوادکوه می‌توان به عسل، دوشاب خرمالوی جنگلی یا «دشو»، دوشاب از گیل «کنس دشو»، آلوچه جنگلی، انواع مرباجات و ترشیجات، اشاره کرد. انواع و اقسام گیاهان دارویی نظیر آویشن و گاو زبان، هوم، زرشک، و قارچ جنگلی و کوهی هم جایگاه و طرفداران خاص خود را دارد. جاجیم و گلیم و وسایل چوبی (لاک‌تراشی) یادگاری خوبی می‌تواند از سوادکوه برای گردشگران باشد. به دلیل فراوانی و تنوع فلور در کوهستان و گونه‌های درختی در جنگل، زنبورداری از حرفه‌های اصلی مردمان سوادکوه است. در صورت حمایت،

از شاخه زبان‌های ایرانی شمال غربی (پهلوی) است. این زبان در طبرستان قدیم و در استان‌های شمالی ایران (مازندران، گلستان، تهران، البرز و سمنان) رایج است. برپایه پژوهش میدانی (اکبرپور، گنجینه گویش‌شناسی مازندران ۱۳۹۲-۱۳۹۱) که در مناطق دشت و کوهپایه‌ای مازندران فرهنگی (استان‌های یاد شده) به انجام رسید، گویشوران بومی مازندران، خود را گیلک و زبان خود را گیلکی می‌دانند. افزون بر این، امروزه به جای زبان مازندرانی، اصطلاح «مازنی / مازرونی» نیز رایج است.

جهانگیر سرتیپ‌پور در کتاب «نشانی‌هایی از گذشته‌های دور گیلان و مازندران» می‌نویسد: از بعضی اقوام گذشته دور گیلان و مازندران مانند کاسی‌ها، آثار مکتوبی به دست آمده است که گواه بر وجود خط، حتی پیش از ورود آریائیان در نزد این اقوام است. از آن جمله، مهر استوانه‌ای با خط کاسی و نقشی از یک فرد کاسی با لباس و کلاه نوک تیز که در شکل قهرمان مارلیک هم دیده می‌شود.

از یادمان‌های تاریخی مثل برج لاجیم، برج رسکت تا این اندازه آگاهیم که اسپهبدان طبرستان تا سده پنجم هجری قمری زبان طبری را با خط پهلوی می‌نگاشتند و سکه می‌زدند. چند نسخه خطی از برگردان ادبیات تازیان به زبان طبری و نسخه‌هایی از برگردان و برداشت قرآن کریم به این زبان نیز یافت شده که از آن‌ها می‌توان دریافت زبان طبری در سده‌های نخستین پس از اسلام دارای ادبیات گسترده‌ای بوده است. چنان که می‌دانیم که مرزبان‌نامه نخست به زبان طبری نوشته شده بود و بعدها به زبان پارسی دری برگردانده شد. ابن اسفندیار از دیوان شعری به زبان طبری به نام نیکی‌نامه یاد می‌کند و آن را به اسپهبد مرزبان بن شروین نویسنده مرزبان‌نامه نسبت می‌دهد.

امروزه زبان مازندرانی با خط فارسی نوشته می‌شود و این زبان دارای گویش‌هایی است که یکی از این گویش‌ها؛ سوادکوهی است. این گویش همانند دیگر گویش‌های مناطق کوهستانی مازندران، از یک سو به دلیل قرار گرفتن در کوهپایه‌ها و ارتباط کمتر با شهرها (در برابر روستاهای دشت‌نشین) و از سوی دیگر به دلیل برخورداری از شیوه‌های سنتی و کهن زندگی مردم کوه‌نشین، کمتر دستخوش دگرگونی شده و از واژگان اصیل و ناب برخوردار است که این واژگان، ساختارهای قدیمی زبان را به خوبی نگاه داشته‌اند. برای نمونه نام ماه‌های بومی طبری / مازندرانی که امروزه بیشتر در مناطق کوهستانی این سرزمین و از جمله در سوادکوه رایج است (آرکه‌ما arkə mā، دما de mā،

مانند مردان این دیار در برخورد بسیار مؤدب و مهربان هستند و ... من در هیچ جای دیگر دنیا ندیده‌ام مردم دهات آن قدر دارای تمدن و آداب و رسوم پسندیده باشند و ملاحظه کردم ایالت هیرکانیا که به قول قدما باید عاری از تمدن و جایگاه پلنگان وحشی باشد، زیباترین نقطه‌ای است که تا به حال در آسیا دیده‌ام و مردم آن متمدن‌ترین و با ادب‌ترین مردمی هستند که ممکن است در دنیا وجود داشته باشند. ...». (پیترو دلا واله، ۱۳۸۴: ۴-۱۳۳)

موسیقی: همانند طبیعت و تاریخ این دیار، موسیقی آن نیز پربار و متنوع است. سوادکوه با طبیعت ویژه خود و با مردمانی خردمند و اهل فرهنگ و تاریخ یکی از غنی‌ترین گنجینه‌های فرهنگ موسیقی مازندران به حساب می‌آید. موسیقی سوادکوه شنیدنی و گوش‌نواز است. یکی از عواملی که جدای از طبیعت در موسیقی این مرز و بوم تأثیرگذار بوده وجود شاعرانی است که در این عرصه اشعاری ناب سرودند و نشان دست‌مایه آواز استادان آواز شده است. شاعرانی نصیب استاد بیون گوران، استاد حجت‌الله حیدری، استادعلی اعظم حیدری، جهان‌گیری رجه، علی حسن‌نژاد و ... هر چند نباید از وجود گروه‌های موسیقی و خوانندگان بنامی چون رستگار خواننده و سرپرست گروه «وارش»، حسین زمانی خواننده و سرپرست گروه «نجما»، محمود شریفی خواننده گروه «امیر پازواری» و استاد بی‌بدیل ویلون زنده‌یاد حبیب‌الله بذیعی ازانده‌ای غافل ماند. توان موسیقایی این بخش از دیار تا اندازه‌ای است که زنده‌یاد استاد حسین طیبی نوازنده چیره‌دست «لُلو» درباره یکی از قطعات موسیقی مازندرانی به نام «مش حال» را که از ساخته‌های خود ایشان است گفته این قطعه باید به «سوادکوهی حال» تغییر کند.

گردشگری مذهبی: سوادکوه از لحاظ گردشگری مذهبی به واسطه وجود بقعه‌های زیارتی، توانمندی بالایی دارد، چرا که به‌طور متوسط از هر دو روستای سوادکوه یک روستا دارای امام‌زاده است. گردشگری مذهبی به عنوان توریسم پایدار شناخته می‌شود چرا که در تمام فصول سال امکان دیدار از اماکن مذهبی وجود دارد. برخی از این اماکن یادآور آیین میتراسم است. نظیر زیارتگاه‌های دختران پاک «لیند» و «گلیران» در آلاشت. ساماندهی و شناختن توان گردشگری مذهبی با حفظ ساخت قدیمی اماکن به همراه برنامه‌ریزی برای اقامت و پذیرایی گردشگران مذهبی می‌تواند به رونق اقتصادی سوادکوه کمک نماید.

گویش و زبان مردم سوادکوه: «زبان مازندرانی یا طبری / تبری،

سویی دیگر واژه‌ای مانند دوری (بشقاب) در دیگر گویش‌های ایرانی همچون چاه گونویی، لای زنگانی و ... (استان فارس) رایج است.

یادآور می‌شود که وجود پرندگان، گیاهان و درختان ویژه و کمیاب و شیوه خاص شکار و نشاکاری و ... سبب شد که زبان مازندرانی و گویش‌های آن، واژه‌های تازه‌ای را خلق کند که نمونه‌های آن را در دیگر زبان‌ها نمی‌توان یافت. برای نمونه ابزارهایی که در نهادن تله و دام برای پرندگان و جانوران در این زبان رایج است: تله مار *talā mār*، تله زی *talā zi*، تله رگ هدائن *talā rēg hādān*، دوم شیش *dum šiš* و ... که به دلیل نوع تله‌گذاری و ابزارهای چوبی خاص، ویژه مازندران است.

امید آن است که دوستداران و پژوهندگان بتوانند همه گنجینه زبانی مازندران فرهنگی را گردآوری و ثبت نموده و رسانه‌ها و به ویژه آموزش و پرورش آن را به کار بندند تا این گنج گرانمایه دستخوش نابودی و فراموشی نشود و این گمان نادرست که سخن گفتن به زبان‌های بومی را ناروا می‌شمارند از ذهن و زبان رخت برینند.

کتاب حاضر در نوع خود کتابی مرجع برای معرفی جاذبه‌های گردشگری سوادکوه است که در دوازده بخش تدوین شده است. این که طبیعت سوادکوه بی‌نظیر و جذاب است شکی در آن نیست؛ اما آنچه نگارنده را به عنوان دوستدار طبیعت و آثار تاریخی سرزمینم نگران می‌کند این است که گاهی برای عکس‌برداری محدود به یک منطقه و آثار تاریخی مراجعه می‌کنم موجه می‌شود. چهره آثار طبیعی و تاریخی آن منطقه توسط انسان دستخوش زیارات شده است. برای نمونه مسیر غار اسپهبد خورسید، قلعه جل‌در، برج باوند و ... یکی از دغدغه‌ها و نگرانی نگارنده هم شده بوده و هست که جاذبه‌های طبیعی نظیر آبشار ولیلا و آبشار سوته، دریاچه سرسره در اندارگلی، آبشارهای قوزک شیرگاه، آبشارهای سه‌گانه جل سنگ، دره اسپر (اسپر دره) و ... که نخستین بار در این کتاب به تصویر کشیده شده‌اند از سوی انسان‌های نابخرد و بی‌خبر از فرهنگ دچار تخریب گردد. به این می‌اندیشم که چرا انسان‌ها دست به چنین اقدامات ویرانگری می‌زنند؟ پاسخ را استفاده نادرست از تکنولوژی دانستم؛ اما وقتی موضوع را با استاد و دانشمند بزرگ و روانشناس دکتر مهدی نوری بررسی کردم ایشان در پاسخ بیان داشتند:

«سوادکوه که قسمتی از مرکز فرمانروایی اسپهبدان مازندران بود، سرزمینی آمیخته از کوه و سنگ، جنگل و دشت،

اونه‌ما (unə mā). با بررسی واژگان رایج در سوادکوه می‌توان به این نکته دست یافت که به‌راستی مردم این دیار، پاسبانان شایسته‌ای برای گنجینه فرهنگ و زبان تبری / مازندرانی هستند و این امر را می‌توان در بیشتر واژه‌های آنان یافت، واژه‌هایی همچون استاره *ostāra* (ستاره)، خارک *xārək* (خوب، نیک) و ... که این واژه‌ها در مناطق غیر کوهستانی و دشت مازندران به گونه ساده تر و نوتر؛ ستاره *satāra* و خار / خار *xār* / *xāra* رایج هستند و ساختار سوادکوهی این واژه‌ها کهن‌تر و قدیمی‌تر است.

گویش سوادکوهی از دید هسته و وابسته نیز دارای ساختار کهن و برعکس زبان فارسی معیار است. بدین معنا که، نخست وابسته و سپس هسته می‌باشد. برای نمونه کته مردی *gata mardi* (مرد بزرگ)، ته چمه *te čəmə* (پیراهن تو). این زبان از دید حروف اضافه نیز بر عکس زبان فارسی معیار است بدین معنا که نخست واژه، سپس حرف اضافه می‌آید: ونه جا *vəne jā* (از او)، خنه دله *xəne dələ* (در اتاق)، مارن دله *dār-e sər dələ* (روی درخت). یادآور می‌شود که حرف اضافه «ج» (از، را، و...) در زبان فارسی باستان به گونه «هچا» *hačā* به کار رفته است: *hačā sakaibiš* (از سیستان) که در گویش سوادکوهی به «واج» نخست *ha/* از آن افتاده و واج سوم *č/* به واج *z/* تبدیل شده است. واژه‌های گویش سوادکوهی را می‌توان از دیدگاه آوایی به دو گروه دسته‌بندی نمود. نخست واژه‌هایی که از دید آوایی و گاه کاربردی با واژه‌های فارسی معیار امروزی متفاوتند ولی از دید تاریخی از سرچشمه و ریشه یگانه‌ای برخوردار هستند. واژه‌هایی همچون جول (ژرف)، شاب (گام)، کیجا (دختر)، کرگ (مرغ)، لوه (دیک)، کچه (قاشق)، کلوم (طوبله)، دوری (بشقاب)، اغوز (گردو) و ... گروه دوم واژه‌هایی که دارای تلفظ نزدیک‌تری با واژه‌های فارسی معیار هستند. برای نمونه شتر (شتر، بز، شو (شب)، می (مو)، ته (تو)، وچه (بچه) و ... توضیح این که واژه‌های گروه نخست از گروه‌هایی هستند که در متون ادبیات فارسی گذشته ایران وجود داشته‌اند ولی امروزه با دگرگونی زبانی، از دور خارج شده و یا بسیار کم کاربرد گشته‌اند و یا گاهی محدود به مناطق خاصی از جغرافیای زبان فارسی هستند که البته این واژه‌ها ریشه در زبان‌های باستانی ایران دارند. برای نمونه واژه کرک (مرغ) در زبان اوستایی به گونه *kahrka* جول (ژرف) در اوستایی *zafra*، ورگ در اوستایی *vahrka*، ورف در پهلوی *vafra* رایج بوده و یا واژه لوه (دیک) در سروده نظامی گنجوی به گونه «لوید» به کار رفته است. از

شیطان صفتی سوق می‌دهد. البته باور این است که هر انسانی می‌داند:

آدمی زاده طرفه معجونی است

کز فرشته سرشته و ز شیطان

گر رود سوی این شود کم از این

ور رود سوی آن شود به از آن

در کشور ما، از دوران باستان، به راستی و پاکی و مروت و کار و کوشش و آبادانی توجه خاص شده است. مطالعهٔ مکتب مزدیسنا (یکی از دو مکتب مهم در امور بهداشت و درمان) نشان می‌دهد که محیط و بهداشت فردی و اجتماعی و تندرستی و رفاه و آبادانی بسیار اهمیت داشته است. در این مکتب تأکید شده است که محیط کثیف و آلودگی هوا و گرد و غبار مناسب زندگی انسان نیست و آدمی حق ندارد محیط خود را آلوده و ناپاک و تخریب کند. این مکتب‌ها به شهروندان درس زندگی و نیکو زیستن می‌آموختند و توصیه می‌کردند که انسان باید همهٔ نیروی مادی و معنوی خود را در راه آبادانی و پیشرفت و خدمت به دیگران به کار برد. بدیهی است پیروی از چنین اندیشه‌هایی سبب می‌شود که آدمی با بهره‌گیری از عقل و خرد و رهایی از آلودگی و ریاکاری به خودش و دیگران مهر بورزد و با اندیشه پاک و روان و ضمیر روشن پیوند خود را با دروغ و کزی بگسلد و زندگی، سرشار از خوشی و خوشبختی را برای خود و دیگران میسر سازد.

خواننده محترم توجه دارد که وقتی اندیشه و گفتار و کردار فرد، پاک و نیک و درست شود عشق و اعتماد به نفس و اتحاد و محبت و فداکاری و درود می‌آید که همهٔ این‌ها سبب رضایت خاطر و شادابی و روانی و کمال جو می‌گردد که میراث آن به نسل‌های آینده نیز منتقل می‌شود.

درست است توسعهٔ صنعتی و پیشرفت تکنولوژی از یک سو امکانات زندگی را افزایش می‌دهد، اما از سوی دیگر بسیاری از افراد را تشویق می‌کند تسلیم بازی‌های زندگی شوند و به تدریج هویت خود را از دست بدهند. خوانندهٔ نکته‌سنج به این نکته توجه دارد که اگر آدمی هویت و استقلال فکری خود را از دست بدهد و در سایهٔ هویت حرکت کند هرگز به آرامش و سعادت واقعی نخواهد رسید و فرزندان او نیز طعم آسایش و ویژهٔ نوع انسان را نخواهند چشید. اگر آدمی تلاش کند که به درون تاریکی‌ها راه یابد و از راز و رمز زندگی خود آگاه شود، آنقدر شهادت می‌یابد که با در خود نگریستن و خود را شناختن حرمت انسان و طبیعت و مخلوقات را رعایت کند و با ایجاد تعادل و

گل و گیاهان دارویی و انسایت بود. ساکنان این مرز و بوم به فرزندان خود پاکی و شجاعت و غرور و غیرت و عزت نفس می‌آموختند. اسپهبدان مازندران نیز به یاری همین مردم در برابر هجوم بیگانگان و مهاجمان ایستادگی کردند و آزادی و استقلال منطقه را تأمین می‌کردند. متأسفانه در سوادکوه نیز، مانند همهٔ نقاط، پس از نفوذ تکنولوژی و افزایش جمعیت و سوء مدیریت، طبیعت منطقه آسیب دید و با انهدام و نابودی بخش عظیمی از خاک و آب و جانوران کیفیت واقعی زندگی تغییر کرد. از آنجا که آب و خاک و جنگل و کوه و جانوران را می‌توان عالی‌ترین مظاهر زندگی بشر دانست و نمی‌توان تاریخ تمدن آدمی را از آب و خاک مجزا نمود نقش انسان در ویران کردن محیط خود به خوبی مشخص می‌شود. جایگاه ویژهٔ انسان در سازندگی یا ویرانگری محیط زیست موضوعی است که در این جا نمی‌توان به آن پرداخت، اما ذکر این نکته ضرورت دارد که برای جلوگیری از انهدام منابع طبیعی و ویرانی محیط عزمی، اسخ و آگاهی فوق‌العاده لازم است. متأسفانه بیشتر افراد، آگاهانه یا ناآگاهانه در حال برهم‌زدن تعادل‌های طبیعی محیط خود هستند. به فعالیت‌هایی می‌پردازند که بقا و حیات را در معرض خطر قرار می‌دهند. آدمی با انهدام و ویران کردن محیط، جسم و روان خود را نیز نامتعادل و نابسامان می‌کند و شاید نمی‌داند که با گسستن هر حلقه از زنجیرهٔ بزرگ طبیعت به نوعی خودکشی می‌پردازد. احتمالاً در سوادکوه نیز با چنین نگرشی، تخریب محیط آغاز شده و به تدریج آن قدر مواهب طبیعی نابود شده است که اگر از همین امروز به طور جدی دست به کار نشویم فرزندان ما فقط خواهند توانست وصف زیبایی‌های منحصر به فرد سوادکوه را در کتاب‌ها بخوانند یا در عکس‌ها ببینند. درست است که احتیاجات اولیه و آنگاه نیازهای روانی و اجتماعی افراد در تغییر سیمای محیط طبیعی و تخریب آن تأثیرگذار بوده است اما موضوع ویرانگری و نبود سازش و اختلاف‌های روانی و رفتاری بسیاری از افراد را نمی‌توان به این سادگی توجیه نمود. بدیهی است زندگی انسان همواره در جهت تغییر و تحول و تصعید بوده و خواهد بود و باید باشد، اما این توجیه مناسبی برای انهدام و ویران کردن و کشتن محیط طبیعی و جانوران منطقه و تسلط نابخردانه بر محیط نخواهد بود. بدون تردید هر کسی باید بیاموزد که راه کمال و آسایش واقعی انسانی کدام است و با چه سلوکی آرامش و سعادت راستین حاصل می‌شود. همچنین باید آموخت که چه رفتارها و اعمالی بقا و زندگی بشر را تهدید می‌کند و او را به تباهی و سقوط می‌کشاند و آدمی را از فرشته‌گونی به

گوناگون سوادکوه و تکاندن گرد و غبار از چهره فرهنگ و آداب و رسوم این دیار، ارائه کلیدهایی است که طلب می کند دست محققان و علاقه مندان را تا با گشایش هر بخش به واکاوی و تماشای این بخش از سرزمین کهن ایران - سوادکوه - بپردازند.

سوادکوه یکی از دروازه های ورودی استان مازندران است؛ کاروانسرای گدوک، مرز سوادکوه با فیروزکوه است. درختچه های زرشک، اسف و ورس به همراه شمیم باریجه و گل آویشن، آب سرد شاه چشمه، دوغ محلی گدوک، آبشار و پل دوازده چشمه راه آهن و کوه های سر به فلک کشیده در کنار مردمان چشم آبی شوراب با لهجه شیرین همه نشان و نماد زیبایی و مهمان نوازی مردمان سوادکوه است. از اینجاست که اگر رو به یک جانب داشته باشید از سیر جانب دیگر محروم می مانید.

اینجا سوادکوه (ساتکوه) است؛

شِمِه قَدِمِ اَمِه چَشِ سَر.

همه هنجی در زندگی نه تنها از بیگانه شدن با خود و دیگران و طبیعت در امان باشد، بلکه به تکامل شخصیت و وجد روانی خود نیز کمک می کند. در واقع هر وقت از خوابگردی و ناآگاهی نجات یابیم و به انسان بیدار و قابل اعتماد تبدیل شویم، به سعادت و آرامشی می رسیم که خاک و سنگ طبیعت نیز با ما محرم می شوند و به گفت و گو می پردازند. به قول مولانا:

نطق آب و نطق خاک و نطق گل

هست محسوس حواس اهل دل

با تو دیوارند و با ایشان در است

با تو سنگ و با عزیزان گوهر است

جمله ذرات عالم در نهان

با تو می گویند روزان و شبان

ما بصیریم و سمیعیم و هُشیم

با نما نامحرمان ما خامشیم»

و در آخر این که هدف از ارائه این اثر علاوه بر توانمندی